



ارسمان مرگری حزب توده ایران

ملت ایران انتخابات

تحلیلی دوره شانزدهم را به رسمیت نمیشاند

انتخابات تحلیلی دوره شانزدهم عراق با وسوسه‌های وزنده ترین فشارها و دوغالت‌های دولت سید خود را ادامه میدهد.

پیش از اینکه پیش‌بینی که مرگری حزب ماملی عراق مختصر و بررسی شود تفاوت قطعی ملت ایران را در بلوغ این نسوخته‌ترین سنگین مسکس ساخت - در این قرار اعلام کرده که در شرایط و رژیم تروری و وحشت‌ناکی، خلا مرحوم آزادی از ملت ایران سلب گردیده و انتخابات به سعی واقعی خود وجود ندارد. بنا بر این که مرگری حزب مالا از ویه این سحر پردازی وسوسه‌ها ترسیم کند. هر شک در آراء شرکت در شجاعت تلقی نماید و ملت ایران را به مبارزه با تمام قوا برده دستگام حصد و رویای حیات ساک و دعوت کند.

سربلن وقایع فطری چهل روز اخیر به نسو دشمنی صحت نظر قرار کینه مرگری حزب مالا به تیرت وسوسه‌هاست میتوان گفت انتخابات دوره شانزدهم از لحاظ رسوایی تحویل و فشار دروغ خود بی نظیر بوده است. دستگام ساک یا سیرتانی بر سانس حزب پروگوست ایران، حزب توده ایران، تحویل روزنامه‌ها و انتشارات آن رکن اساسی آزادی را از میان برده و تنها به شکایات و تلنگرانیهای اجاره معاویه و انتشار میخند. با اینچه روز صصعا تلنگرانی کتابچه در باره و خالت دولت از همه انتظار کشور میخند. خیابان مریوط به اعضا، تبصیر ما، و دوخوردما، و تیرتازها که مشیر به کنتزار و سعی ساختن اعلا شده است سنون روزنامه‌های مسائل ناراضی حیات ساک و بر میسک. کهر بیانی میرسد که بی متنو حیات مرگری نظارت انتخابات تیرت از کهر خود استخا میخند و سرسینا وجودش و سوسه بیت وسوسه بر ن آزادی انتخابات را اعلام میخند. دولتی‌های به حرکت دست‌های وهیمی از مسائل ساک ناراضی و نایبندگان اکثر جرایه تهران صحت از تبصیر عوی، تقاضای توقف جرایم انتخابات و برگراری دولت نقلی به میان می‌آید. در چنین شرایط تروری و وحشتی که برین نسام حزب توده ایران سبب تیرت و سکم سالیانه زمیانی میخند و گست زبانی از مسائل ساک نیست و جرایم سنگین نقلی فریاد اعتراض میخند

کسیر خارجی

جهان در هفته گذشته

در هفتم اکتبر - بنا بر تالیان و اراده دستگام سراسر آلمان کنگره ملی بصورت پارلمان موثقی در آهسته و تکلیف جمهوری دموکراسی ملی آلمان به جهایان اعلام گردیده شهر برلن پایتخت جمهوری ویرجم سولگه و سایر جعتون بریم روسی حکومت جدید پذیرفته شده نسیم کنگره که در شفا قانون اساسی دموکراتیک که چندی قبل از اجازت کنگره ملی نسون و تصویب شده بود فروزا به موقع اجرا گذاشت خود. پارلمان موثقی در تصدین جلسه خود آقوسرو و تووولد رئیس حزب سوسیالیست متحد را به امتحان آراء و عنوان اولین لغت وزیر جمهوری انتخاب کرد.

مقتضات انتقالی شوروی بلافاصله نام مستجابهای دولتی برلن را تحلیف و حکومت جدید تسویل نمود.

و هم اکتبر - طبق قانون اساسی جلسه مشترک پارلمان موثقی و ۳۱ فرم نایبندگان اعرای پارلمانهای ایالتی شهر برلن تشکیل گردید و ولتلم یولگ ویرکل حزب سوسیالیست متحد و مبارز لشماره شد فلیچست را به عنوان نخستین رئیس جمهور آلمان دموکراسی انتخاب نمود.

جمهوری دموکراسی ملی آلمان ملی پیادای اعلام دادند است که دوره‌های صلح به‌پایدار و صلح آتش‌افروزان جنگه‌جبهه دوش به دوش کشورهای صلح دوست و تیروهای مبارزه جبهه صلح به نسر آتشی ناپایدار مبارزه خواهند کرد.

شوروی و جمهوریهای دموکراسی توده ایستون - چکوسلوواکی - مجارستان - یوگوسلاوی - بلغارستان و آلمان شرقی به پشتیبانی اعرای آسیر مناسی که به دولتهای آمریکا، انگلستان و فرانسه تسلیم نموده برآید مخالفت جدی خود را با تشکیل دولت دست‌نماده آلمان فرمی ابراز و مستولیت عراق و ضم این اعلام بکنایه وحشه دموکراسی را که مشیر به تیرت ملی آلمان گردیده است متوجه آلمان دانسته.

دروغها و فریبناک از تیرت کبیک زمان چشم برافق و روشن آینه‌داره و همین سبب آزادی را انتظار میگذشت. دروغ ما بر آنها، بر فرعون خانیست نیست ما که در برابر دشمن شوخوار تیروچی بجز راه صلح و وسایط صلح امریکه ایست ناپاکشان را تیرت کرد، از برین سرلیخما خیره نشسته دوام فریبناکی استوارشان را نیست. آنها در مسائل، در وطن و ده‌گد، سنی زمانیکه تیغ جلا در رزاق سرقران آویخته بود، در راه آینه‌داره برای آزادی میکار کردند. آنها، در زمان قهرمان ملت ما، می‌ساز کفن حق ناپسوده، و دلشان از هیچ تیرتیمی بلرزد. دشمن میخواست دور بر آنها با سلات جلوه‌کنه ولی حلاوت آنها دشمن را درهم شکست.

آنها به دشمن که به بتدفعن کنیده بروگشته، در دروغها ما با باید پیش بود پاشستان و مکتبک زمان آرمایش

انعکاس انتشار مردم

در محافل و مطبوعات تهران تیرت انتشار روزنامه مردم ترکمن مبارز حزب ما، تالیف صلیبی در تهران بختیاب است. دوستداران حزب ما که صلیب مردم چین دوست و آزاده‌خواه را تشکیل میخند از تمامه سیمو روزنامه‌ها و خنگو و نسوستان فرق نادری شده و آرا مهربانان کولی به سرتا پیروزی بود که حزب توده ایران دانسته برای حیات ساک و ویس، انتشار مردم سرتا بکنه گزانی بود که بر سر آما وارد آمد خای حزب ما باز وسوسه روزنامه مردم در وسط تهران شده حد. انتشار مردم نقلی ای تیرت که آرا بلوغ با سکوت نقلی گرد از این حیات اکثر جرایم انتخابات این موضوع را در ویس حلالی سینی روز دستگام ساختن روزنامه طلوع با خط مرفعت تیرت اخبار خود از فعالیت حزب توده ایران و انتشار روزنامه مردم سخن گفتند و نماندن روزنامه‌های ایران گرد.

روزنامه‌های حیات و ایران با تیرت حالی صین روز انتشار روزنامه مردم غیر مکتوب و اقل گردید. روزنامه بلوغ گوئی تهران مسووس از مکتوب غیر نظر روزنامه مردم و ازواج آن تیرت ما روزنامه مردم نیست زبانی اکثر صورت به حسی به دروغ انتشار در ویس یکی دروغ حلالی این روزنامه حریف است که حلالی حلالی حلالی به این بلوغ گوئی حیات آسیر جسم. دروغ اعلام دولت بر سر سرتا صحت این شطرنج روزنامه مردم را کایت کرد. هم مردم ترکمن مرگوز حزب توده ایران و تیرت از سرتا روزنامه‌ها فاروق و لاس سیم ما چکوبه سرتا و فشارهای مبارزه بر سر تراجم و انتشار

دروغ به زندانیان

فراوسه چون چکتر بر سرفق دشمن فرو آمده.

مکتبک دشمن آنها را بر نیکت ایتم نشان از جایگت سنجین بسماگ جلتما و در سالیان مکتوب فرادشته، سندی آتخته سونولت‌ها و ایستادگی کوهنیا و ایستادی سنی و ابریز دلوگت گسترده دشمن را نسیم کرده و نسیمو ساخته. آنها از نیکت بر انتظار ملت مودت مودت، بر سرتی کهر مسائل باطنی گردید، سنت دکتر ایرانی و هر قید مرا این میخندید.

دروغهای تیرت و نیکتوری، ازانی تیرت جلطان، تیرت مانده جان سپرد و آینه‌نگار سنجینا گزاینه‌ای آموخت او در روز شکستما سرتی مات، نقل از زهر و مکتب کبیده در ولی دلس را هرگز تیرتک بیس فرا نکرست. تلجان دافت میخند روزنامه مردم، دروغ آرزو داشت میر او را بهینه اهل وطن سپرد ولی

کارگران، دستخان، پیشوران، روشنفکران
 هدایتی و اتحادی
 با مرکز استیلاگر ایران
 بنا کنی

نوکران ایرانی امیرالایسم ..

این زنجیر ما سخت است
 پاست و قدر روز مودود
 در برابر او نهاده ما
 چون نوم خواهد گذشت
 در میان هنگام که امیرالایسم
 بر عهد موهضان ما توخته
 میگردد و دولت ما شک ما
 و آنچه با یکدیگر شد قووری
 جل نموده و چون ترتیب تعداد ایرانی
 روابط ایران و قووری میگردد حکومت
 سوسیالیستی شوروی، دوستی خود را
 نسبت به ملت ایران نشان میدهد و گریه
 مع هر از آن کند، با قریض مناسب به
 ایران میفرودد و بعد ترتیب سایر قسطنطنیه
 و مدعی موشن را بر طرف مبارزه، ولی
 مژده دوران با ممالک داخل، دستنوار زبان
 خارجی خود، هر روز در راه بازار گران
 کشور ما با کثورتی مظهر سوسیالیستی شوروی
 ستمکاری تازی میگذرد و از مایه و نصیب
 کشور را برای خرید باد کتک و مرمومت
 و سخرای به آموز دریا ها میفرستد -
 در حالیکه بانه مردم ملون مردم ایران - از
 سواد اولیه زدگی محروم است - اگر
 خاتین داخلی یکبارند میتوان با ایستادگی
 روابط بازار گران ایران و اتحاد شوروی
 بناستند و اقتصادی ایران را، بهترین
 طریق بر طرف نمود. ولی همین مزدوران
 ایگانه، با ترکیه که خود کثیر و شیر
 طب مانند است و سطح انتشار کوشش
 دارد، فراراد تراوش بر بندد و در
 لغانه این فراراد، مظهرات استرا -
 امیرالایسم را اعمال میکند - بر آنکه
 از لحاظ تاریخی این فراراد بوده که
 ترین سیملی موضوع زدگی مردم ایران
 فراموش کند.

لایه عدم آزادی تعالی سخت کرد
 این وقایع نشان میدهد که حکومت عالی
 سست - با وجود همه تلاقیها - نمیتواند
 سلطه مخصوص مردم ایران بر سر خود آورد
 حتی پیش روزنامه های چاپی و
 گریه ملت ایران - عکسهای از ایرانیان
 داد که رئیس بر نامه مفسر استیلا
 کردند - او و وزیرانه امیرالایسم و
 استرا از یک عقیده را بنموده - این
 روزنامه و سخن هر از آنکه بنیاد یکدگر
 بود سینه که بر نامه ملت سال مستعرا
 برای اجاق با یکدیگر طغی قشوروی
 در ایران و فلسفه گریه بازارهای اقتصادی
 ایران و چشم ما سخن همه های سخن
 ایران نهی شده است - چهار سال است
 که صحبت بر نامه ملت سال در میان است
 به ملت ایران بگویند تا حال کدام قدم
 به فتح مردم برداشته اند است - کدام
 گریه را ساخته اند - کدام با وجود زدن
 گریه جریه زدگی با این وضع زدگی
 بالا رفته است - در میان ما این سینه
 با زبانهای شفاهی و استرا - مبارزه کرده
 پیشروان بر مصلحت های قومین ایسم
 ادامه دارد - ملت ایران میدانده که
 واقی است مبارزه حزب ماست - مبارزاتی
 که بیوز سازه سرتیزه و شکسته و در
 سیاه چالها و در فیه زنجیر ما، تا قوت
 بیشتر - با طغیان اقوولر پوست بی -
 وقت و دولنگه ادامه دارد.

**اقوولر بان نیروی حزب ما
 حزب نجاشش ما**

داروهای سلان آویخته شده، از گوشه های
 آنها، از آرزوها و امیدهای آنها، با
 انتشار و احترام نام برده
 درود ما بر آنها که خود از اقتدار
 نهفت ما هستند
 آنها در همه حال ترضیع با این نابین
 نیروی خود را فرو نموده اند، از شکست
 نابینری آنها درین برده، وطن گریه
 با محرم و مشابه خود نهفت کرده ای
 ما را در دم شکسته ولی روش فیرماتان
 آنها ثابت کرده این (پهلوانی که حزب
 نوده ایران نام دارد) شکست نابینری است
 طئه حاکم به ملت، به سینه، است
 نهفت ما سخبات کرده ولی هرگز نتوانست
 آرا به زانو آورد - آنکه بازم سر
 بند و با انتشار راه آینه را میسازد
 به قیست گوشه ها و فداکاریها زمین مع
 سلان را به ملت ایران نوبینه حرب
 نوده ایران است -
 و فیلان انسانی ما نودهای و اصلا
 به وطن شناساند - وطن اشراف کرد
 که نودهای از لاش مردمی نواست،
 مردمی که نسل آنها در زمین ما رفته
 نوبت میسازد - نودهای (نیرتند،
 تسلیم نمیکردند، فدیه آرمون خود را ای
 نیشینه، منته نشود، نویسی نمیشاند
 و بالاتر از همه چون زدگی را دوست
 میبازد برای آزاد زینت مرکه را تفسیر
 میکند - نودهای مردم را دوست میبازد
 و به سینه جهت برای سلنت آنها در
 ستاره ای زنده سازد -
 درود ما بر این نودهای که بنشانیکن

انعکاس انتشار مردم ...

جهت کتک شده آرزوهای مردم به خاطر
 مردم تهران رسیده - اندام ملایم بر این
 من سرفشان شایسته روزانه را بست
 جوان مبارزه داشته دادند انتشار دارد
 روزنامه جنگی منتقل با لیتر فرهنگ
 روزنامه منتقل انتشار مردم برده از
 روزنامه های انتشاری و ستایه های فراوانی
 و ستاری بر مبارزه که عالی از قبل
 داخلی روزنامه مردم را انتشار داد
 روزنامه مردم اعتدال و روزنامه های
 منتقل و اندام مبارزه روزنامه سخن مردم
 بحث میکنند و کتک عالی از سرفشان و
 قیست منتقل شاره اول و نقل از اندام
 منتقل منتقل ساخت - روزنامه ایران
 نامور بود و از آن روز در روز انتشار
 که آهرا به وقت برای خلق مخالف
 گریه است و ذکر گوید

روزنامه ستاره و سایر روزنامه های
 روزنامه مردم مستشرقین، عکسهای
 شاره قوم انتشار داد - تمام با لیتر
 و سایر روزنامه انتشار شایسته روزنامه
 از خیرند - حتی نام مردم در جریه
 از روزنامه های بود که صد هزاران
 آرا بر سر آمد - اول و نقل از روزنامه
 طب خیرتر است روزنامه مردم را
 روزنامه های بالا به نیشین میبازد
 روزی که اندام با کتک همه اول مردم
 و نقل سرفشان آن انتشار یافته بود روز
 شاه فریاد آرزو نام و اندام و مردم
 مبارزه و منتقل زندی از آرا این
 وسیله فروخته
 منتقل مردم برای خیرتر روزنامه
 مردم سایر آرزو و همه خیرتر است
 خیرتر است مردم و مردم بشود - روز
 شاه مردم از این احساسات مردمی که
 سوره افشار طالع و حزب نود ایرانی
 حزب روز که زارنگین ایران است
 سیاه سردانی میکند

ملت ایران انتخابات ..

حاکمه ایران نمایش داد و اعلام
 نمود که ملت ایران انتخابات
 تحمیلی دوره شانزدهم را به
 رسمت نمیشاند و آرزوهای
 صحنه سازی توپه آیز هیت
 حاکمه به شدت مکتوم میکند
 اما درباره مسی تحریم انتخابات
 کسی توضیح داد - تحریم انتخابات کسی
 این نیست که اصلا، و دستنواران حزب
 دوامه داشته و بدون نشان دادن صافیت
 منت دیگر تنها از دانن رای خود راوی
 به عکس تحریم انتخابات پایه با
 جدا اکثر صافیت جهت رسوا ساختن توپه
 عدلی هیت حاکم ایران و صاحبان
 خارجی آن توام باشد - سیاه معلومت
 و انتخابات تحمیلی را به مردم ایران با
 نام و مسائل ممکن و به کار برهن حدا کتر
 انکار توضیح داد - با به نوده های
 وسیع به خوبی نمایشان که مقصود هیت
 حاکم از تشریحات ملی این نیست که به
 ملت ایران کوچکترین دخالتی مراهقت
 سر و دست خود بدمد، بلکه میخواهد -
 وسیله آن جنایت خود را بر صحنه ملت و
 خدمت چا گرا خواهد بود نسبت به امیرالایسم
 در انتخابات خود راوی ورزده بلکه خود
 کوشی برای انتشار و تبلیغ نظرهای
 سر ما و روشن ساختن مردم بر کت
 به مابعت سست بازی ملی کرده - تنها
 خودیله است که میتوان به فرا گرفته
 مرکزی حزب نوده ایران صورت شداد
**حزب نوده ایران از اعضاء
 و دستنواران نهفت مامخواستار
 که در ساره کوشش فعالان خود
 تحریم انتخابات را کدیل به همت
 معکمی به دهان توپه چیان
 خالی هیت حاکمه و صاحبان
 استعمار طلب آنها نمایند**

درود به زندانیان

زنجیر ما سخت است
 پاست و قدر روز مودود
 در برابر او نهاده ما
 چون نوم خواهد گذشت
 در میان هنگام که امیرالایسم
 بر عهد موهضان ما توخته
 میگردد و دولت ما شک ما
 و آنچه با یکدیگر شد قووری
 جل نموده و چون ترتیب تعداد ایرانی
 روابط ایران و قووری میگردد حکومت
 سوسیالیستی شوروی، دوستی خود را
 نسبت به ملت ایران نشان میدهد و گریه
 مع هر از آن کند، با قریض مناسب به
 ایران میفرودد و بعد ترتیب سایر قسطنطنیه
 و مدعی موشن را بر طرف مبارزه، ولی
 مژده دوران با ممالک داخل، دستنوار زبان
 خارجی خود، هر روز در راه بازار گران
 کشور ما با کثورتی مظهر سوسیالیستی شوروی
 ستمکاری تازی میگذرد و از مایه و نصیب
 کشور را برای خرید باد کتک و مرمومت
 و سخرای به آموز دریا ها میفرستد -
 در حالیکه بانه مردم ملون مردم ایران - از
 سواد اولیه زدگی محروم است - اگر
 خاتین داخلی یکبارند میتوان با ایستادگی
 روابط بازار گران ایران و اتحاد شوروی
 بناستند و اقتصادی ایران را، بهترین
 طریق بر طرف نمود. ولی همین مزدوران
 ایگانه، با ترکیه که خود کثیر و شیر
 طب مانند است و سطح انتشار کوشش
 دارد، فراراد تراوش بر بندد و در
 لغانه این فراراد، مظهرات استرا -
 امیرالایسم را اعمال میکند - بر آنکه
 از لحاظ تاریخی این فراراد بوده که
 ترین سیملی موضوع زدگی مردم ایران
 فراموش کند.

نسل نده و این ترتیب حین در کاره
 کور برای آخرین بار در زمین بیرو گشت
 درود ما به وقتانی که منت های
 نهرمانان او را دیال کرده - در برابر
 دشمنی کلماری از هر پیشوا انسانی بود
 چون سکه، با صلابت و چون شمشیر
 برسد باقی ماندند
 آرا از خونهای و چشمه و آرزوهای
 براد رفته - از نهرمانان کیم در مدانی
 که بر سر آرمون مقدس خود جلن میروند
 و نشان را کسی نتوانست - الهام گرفته
 درود ما بر آنها که ان میراث خویزه و